

نوزاد از آغاز تولد، لحظات کوتاهی به حرکات موجود در میدان دیدش توجه می‌کند و این حرکات را با چشمانش تعقیب می‌نماید. پس از چند هفته سرش را نیز اندکی به طرف اشیاء و یا اشخاص در حال حرکت برمی‌گرداند. در سه ماهگی در حالی که اشیاء را لمس می‌کند به دستهایش نیز می‌نگرد، و از این زمان است که کودک تجارب اساسی و متعددی در جهت تکمیل فعالیت‌های شناختی و عاطفی خود پیدا می‌کند.

بزرگسالان اصولاً توانایی‌های بالقوه فکری و عاطفی کودک را در سنین قبل از مدرسه ناچیز می‌شمارند؛ زیرا کودک تا قبل از رفتن به مدرسه مجبور به انجام تکلیف خاصی نیست. به همین دلیل به محض ورود به مدرسه، همه از او انتظاری بیش از قدرت واقعی‌اش دارند.

به نظر بعضی از روان‌شناسان و پژوهشگران نقاشی کودکان، اگر کودک فرصت و امکان تماس با اشیای اطراف خود را بیابد تا بتواند آنها را آزمایش کند، خیلی زود متوجه می‌شود که مداد، خودکار، گچ و ... جزو آن دسته از اشیایی هستند که از خود اثری مشخص بر سطوح مختلف مانند کاغذ یا تخته بر جای می‌گذارند. کشف این موضوع یا همان اثر برای کودک دارای اهمیت بسیار اساسی است.

فعالیت‌های گرافیکی کودک اصولاً اعمالی مکانیکی است، یعنی نشانه‌ای است از حرکتی که بر روی یک سطح قابل ثبت کشیده می‌شود. در واقع منشاء اصلی فعالیت تصویر سازی به



## نقاشی کودکان را بشناسیم

محسن موائی

دست و بازو محدود نیست، بلکه در عمل، تمام اعضای بدن در تولید آن سهیم هستند. در نخستین مراحل یادگیری، کودک خطوطی را به جهت‌های مختلف می‌کشد و حدود ۶ ماه پس از شروع خط‌نگاری، رابطه‌ای بین حرکات دست خود و آثار و علائمی که پدید می‌آورد، کشف می‌کند و متوجه می‌شود که اثر خط بر روی کاغذ به دلیل حرکت دست و به کمک مداد به وجود می‌آید. به عبارت دیگر او به مفهوم علت و معلول پی می‌برد. این موضوع برای او بسیار با اهمیت است، زیرا در حالی که قبلاً با لمس کردن می‌توانست اشیاء را بشناسد و از این طریق تجربه بیندوزد، اکنون می‌تواند از طریق چشم نیز تجربه‌هایی کسب کند. در این مرحله کودک حرکات دستش را تغییر می‌دهد و می‌تواند خطوط عمودی، افقی یا مدور ترسیم کند. اما همچنان کودک تا مدتی پس از این مرحله نیز هنوز علاقه به خط خطی کردن دارد و خط‌های او نامفهوم و بی‌نظم است. در این دوران گاهی برخی از والدین کودک را تشویق و یا حتی وادار به ترسیم اشکال خاصی می‌کنند، که این امر از نظر تمامی روان‌شناسان امری اشتباه و مطرود است؛ زیرا خط خطی کردن بی‌نظم و نامفهوم برای کودک نوعی بازی لذت بخش است. او در سنین دو تا سه سالگی برای شکل‌هایی که می‌کشد اسم می‌گذارد و این بدان معنی است که کودک می‌خواهد با محیط اطراف خود ارتباطی هدف‌دار پیدا کند.

مفاهیم موجود در خط خطی‌های کودکان به عوامل فردی و رشد آنها بستگی دارد. بنابراین خط خطی‌های یک کودک یک ساله از نظر گستردگی و ساختار با نقش و خط‌هایی که یک کودک سه ساله می‌کشد، تفاوت اساسی دارد که

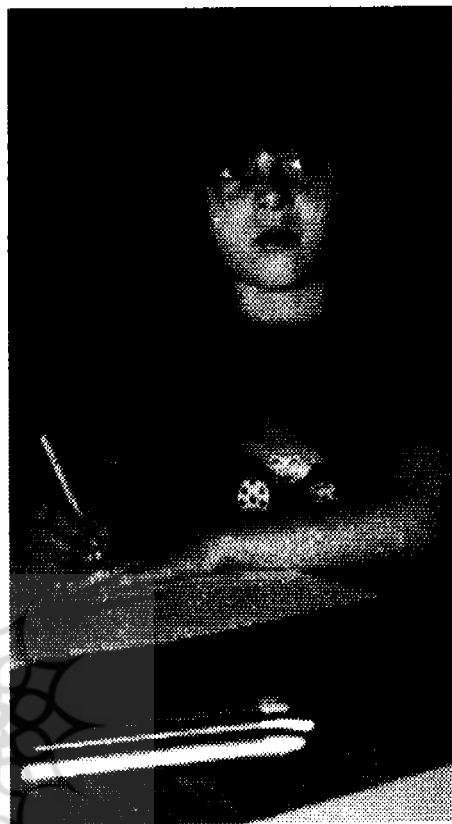
علت آن، تکامل جسمی و روانی اوست. معمولاً کودک در یک سالگی است که مداد در دست می‌گیرد، ولی به جای خط کشیدن، بیشتر با مداد بر روی کاغذ می‌کوبد و بنابراین به آسانی موفق نمی‌شود تا اثری بر روی کاغذ بر جای گذارد. تا اینکه سرانجام در ۱۸ تا ۲۰ ماهگی به طور کامل موفق به خط کشیدن می‌شود. در دو سالگی خطوط دایره‌ای و یا زاویه‌دار ظاهر می‌شوند. در این سن کودک بعد از کشیدن خط دلخواهش براحتمی مداد را از روی کاغذ بر نمی‌دارد و بنابراین بعد از هر خط دلخواه، خطوط دیگری هم در محیط آن رسم می‌کند. در دو سال و نیمگی قدرت عضلانی کودک افزایش می‌یابد و هنگامی که خطی را رسم می‌کند با چشمانش نیز مراقب آن است که آن خط از محدوده تعیین شده خارج نگردد. او به دلخواه خود چندین حرکت را تکرار می‌کند و خط‌های جدیدی می‌کشد تا اینکه نخستین خط‌نگاری او که از چندین حلقه درهم تشکیل شده، به دست آید.

بعد از آن نیز خط‌های فنری شکل و منحنی‌های روی هم قرار گرفته ظاهر می‌شوند. این مرحله که مشخصه آن کشیدن دایره و خطوط مدور است نشانه آغاز مرحله‌ای است که براساس طبقه‌بندی روان‌شناسان و محققان نقاشی کودکان، مرحله گرایش به سمت تصویر نگاری است.

مهمترین طبقه‌بندی برای مراحل رشد ذهنی و نقاشی کودکان را "لوکه"<sup>۱</sup> ارائه نموده است. او مرحله ۲ تا ۳/۵ سالگی را تحت عنوان "واقع‌گرایی تصادفی"<sup>۲</sup> مشخص می‌کند. ویژگی این مرحله گرایش به خط‌نگاری است که در مراحل تکاملی خود به ترسیم دایره منتهی

چیزی تلقی می‌کنند و در مواردی قبل از کشیدن چیزی مقاصد خود را بیان می‌نمایند. لوک‌ه به این نکته توجه کرده است که در این مرحله از تکامل، چنانچه نقاشی کودکان در عمل شبیه به چیز دیگری از کار درآید، آنها از قصد خود عدول می‌کنند. در واقع تفسیری که این کودکان از نقاشی خود به دست می‌دهند، هر لحظه ممکن است تغییر کند. در این مرحله دیگران نیز این خط خطی‌ها را با سهولت بیشتر درک می‌کنند و نیز به تدریج اشکال بیشتر و متنوع‌تری در یک صفحه کشیده می‌شود. یکی از نمونه‌های متداول ترکیب در این مرحله از نقاشی ماندالا است که قبلاً به آن اشاره شد. به عقیده "کلوگ" تمایل کودکان به ترسیم این شکل، نشان دهنده جست و جوی آنها برای رسیدن به نظم، هماهنگی و توازن کلی در نقاشی‌های خویش است. انواع مختلفی از ماندالا را می‌توان در نقاشی کودکان مشاهده نمود. از ماندالا ابتدا شکل خورشید و با بالا رفتن سن کودک شکل انسان به وجود می‌آید.

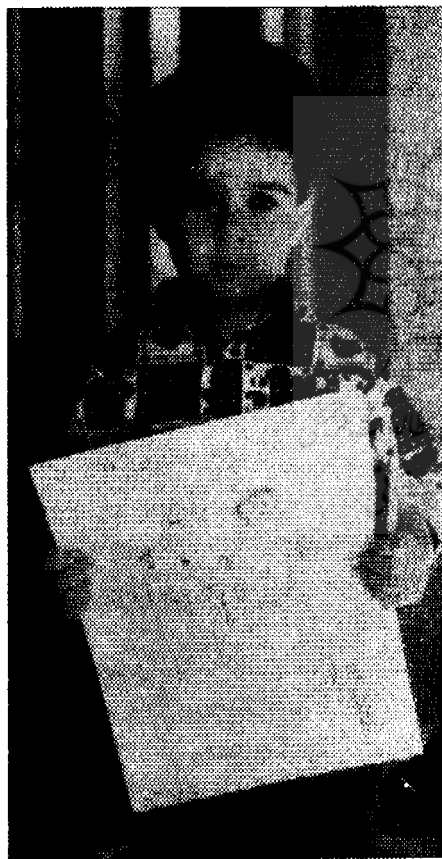
کودکان سه سال و نیمه که کشیدن نقاشی‌های واقع‌گرا را آغاز کرده‌اند گاهی اوقات قادر نیستند قسمتهای مختلف یک نقاشی را هماهنگ سازند. مثلاً آنها ممکن است چشم‌ها یا شکم را خارج از طرح بقیه قسمتهای بدن بکشند. "لوک‌ه" این پدیده را مشخصه مرحله‌ای تحت عنوان "مرحله رالیسم اشتباهی" و یا "واقع‌گرایی شکست خورده" و "فریمن" آن را "ناتوانی ترکیبی" می‌نامد. ناتوانی ترکیبی ناشی از نوعی رابطه غلط میان عناصر نقاشی نیست، بلکه ناشی از فقدان رابطه میان این عناصر است. کودک عناصر



می‌گردد. "آرنه‌ایم" <sup>۳</sup> خاطر نشان کرده است که نخستین شکل بسته‌ای که توسط کودکان در این مرحله کشیده می‌شود "دایره اولیه" می‌باشد. این دایره‌ها و شکل‌های مدور به "ماندالا" موسومند. ماندالا در زبان هندی و سانسکریت معنی "دایره" می‌دهد. ماندالا نقطه عطفی است که دوران خط خطی و غیر تصویری را به دوران تصویری نقاشی کودکان ربط می‌دهد.

از دو سال و نیمگی تا پنج سالگی:  
از حدود سن دو سال و نیمگی آشکار می‌شود که کودکان نقاشی‌های خود را بازنمایی

اساس تصورات ذهنی خود به ترسیم اشیاء می‌پردازد. به طور مثال درخت را می‌کشد و ریشه آن را نیز که در شرایط طبیعی دیده نمی‌شود، ترسیم می‌کند. انسان را از نیم رخ می‌کشد، ولی برایش دو چشم می‌گذارد. "فریمن" نقاشیهای کودکان را در این مرحله به دو گروه تقسیم نموده است. اول نقاشیهایی که در آنها چیزی تصویر شده است که در جهان واقعی معمولاً قابل رؤیت نیست. مثلاً بچه‌ای که در شکم مادر حامله نقاشی شده یا مگسی که توسط عنکبوت بلعیده شده است. در نوع



نقاشی را کنار هم رسم می‌کند بدون آنکه آنها را ترکیب نموده، یک شکل منسجم و مشخص به وجود آورد. مثلاً کلاه را به عوض آنکه بالای سر قرار دهد، بالای سر به صورت معلق می‌گذارد یا دکمه‌های لباس را به جای آنکه روی لباس قرار دهد با فاصله کنار شخص می‌گذارد. کودک در این مرحله آن طور که می‌اندیشد می‌کشد، نه آن طور که می‌بیند. به نظر بسیاری از محققان، نقاشی‌های کودکان در این دوره سنی (۲/۵ تا ۵ سالگی) بیش از آنکه بازنمایی دقیق موضوع نقاشی شده باشند، جنبه‌ای نمادین دارند. به عنوان مثال نتایج به دست آمده از مشاهدات نشان می‌دهند که وقتی از کودکان ساکن در واحدهای آپارتمانی خواسته شد تا منزل مسکونی خود را نقاشی کنند، آنها به کشیدن نقاشی‌های متداولی از خانه‌های دارای سقف شیروانی و دودکشی که از آن دود خارج می‌شود پرداخته‌اند. عبارت "واقع‌گرایی نمادین"<sup>۸</sup> اصطلاحی است که گاهی اوقات برای توصیف خصوصیت بازنمایی این نوع نقاشیها به کار رفته است.

از پنج سالگی تا هشت سالگی:

به طور کلی هرچه کودکان بزرگتر می‌شوند نقاشیهای آنها نیز واقع‌گراتر می‌شود، اما نقاشی‌های کودکان در فاصله سنی پنج تا هفت سالگی هنوز شامل عناصری است که کودک بر وجود آنها آگاهی دارد، حتی اگر به طور طبیعی قابل رؤیت نباشند. به همین دلیل حاصل کار آنها نقاشی "شفاف بینی"<sup>۹</sup> یا "اشعه ایکس" نامیده می‌شود. این خصوصیت مربوط به مرحله‌ای است که لوکه آن را "واقع‌گرایی فکری"<sup>۱۰</sup> نامیده است. کودک در این مرحله بر



دوم نقاشی‌های شفاف، کودک نمی‌تواند پنهان بودن چیزی را که معمولاً در پشت یک شیء نزدیکتر قرار دارد نشان دهد. مثلاً، کودکان در این مرحله ممکن است یک انسان سوار براسب را به گونه‌ای نقاشی کنند که پای غیر قابل رؤیت سوارکار از پشت بدن اسب پیدا باشد. از طرف دیگر نقاشی‌های کودکان در این مرحله، از نظر مقیاس و تناسبات و جزئیات بیش از پیش به سمت واقع‌گرایی بصری حرکت می‌کند.

از هشت تا سیزده سالگی:

کودکان هشت ساله به بالا غالباً سعی می‌کنند در نقاشی‌های خود عمق و بُعد اشیاء را نمایش داده، همچنین دوری و نزدیکی آنها را نیز نشان دهند. آنها در این مرحله، نقاشی کشیدن از یک زاویه دید خاص را آغاز می‌کنند و نسبت‌ها و روابط نیز بر همین اساس تصویر می‌شوند. "لوکه" این مرحله از تکامل نقاشی را "واقع‌گرایی بصری"<sup>۱۱</sup> نامیده است. در این مرحله کودک کوشش می‌کند آن طور که می‌بیند نقاشی کند و قادر به درک قوانین مناظر و مریا می‌باشد. همچنین نقاشی‌های آزاد بچه‌های بزرگتر، یعنی بچه‌هایی نه یا ده ساله، از نظر سبک به تدریج به سمت الگوهای مشخص و تکراری حرکت می‌کند. در این مرحله چهره‌های کارتونی و شخصیت‌های مورد علاقه کودکان نقاشی می‌شوند. نقاشیها تنوع و تشخیص کمتری پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد که کودکان در این سن غالباً از نقاشی خود ناراضی‌اند و دیگر رغبتی به انجام این فعالیت ندارند. گفته می‌شود دلیل این امر آن است که آنها قادر نیستند نتایج دلخواه خویش را از نقاشی‌های خود به دست آورند.

### چگونه در فعالیتهای تصویری کودکان دخالت کنیم؟

نکته بسیار با اهمیت در نقاشی کودکان آن است که کودک باید هنگامی که نقاشی می‌کشد و از طریق کسب تجاربی که حساسیت و هوش او را غنی می‌سازد، عمیقاً احساس رضایت و لذت کند. برای حصول چنین احساسی شرایطی لازم است که بزرگسالان باید آنها را فراهم کنند. چنانکه قبلاً اشاره شد بزرگسالان نباید به طور مستقیم در این امر دخالت کنند، ولی در عین حال هم نباید خود را کاملاً کنار بکشند یا به هیچ طریقی دخالت نکنند و فقط نقش یک بیننده را داشته باشند.

مربری تریبیتی "دوبارتولومی"<sup>۱۲</sup> با عدم دخالت کامل بزرگسالان مخالف است. به نظر او نخستین وظیفه مربری دخالت به منظور تقویت اثر "عوامل مساعد" بیانی و مخصوصاً به خاطر

حذف عوامل منفی است. تجربه شخصی کودکان و مربیان در اغلب موارد نشان می‌دهد که عدم دخالت کامل نیز مانند تحمیل موضوع‌های اجباری، نتیجه‌ای نامطلوب به دنبال دارد. نتیجه عدم دخالت بزرگسالان، نقاشی‌های قراردادی، قالبی و سرسری است که اشتیاق و علاقه کودک را بر نمی‌انگیزد. اگر می‌گوییم کودک باید آزاد باشد، مقصود آن است که او دارای امکاناتی متنوع باشد تا بتواند به نحوی کاملاً راحت و از ژرفای وجودش به فعالیت و تجربه بپردازد. اولین کار بزرگسالان این است که لوازم فعالیت هنری مورد نیاز کودک را در اختیارش قرار دهند. غالباً وقتی وسایلی که در اختیار کودک قرار می‌گیرد مناسب او نباشد، باعث دلسردی وی می‌شود. به عنوان مثال مدادهای سیاه یا رنگی معمولاً کفایت لازم را ندارند، زیرا خطوطی که بر جای می‌گذارند ظریف و نازک و یا رنگهایشان به اندازه کافی تند و پررنگ نیست. بنابراین تهیه مداد رنگی خوب و مناسب، گواش، گچ رنگی و مازیک، متناسب با سن کودک الزامی است. نقاشی با مداد برای کودکان کوچک از آن جا که نوک مداد براحتی می‌شکند، مشکلتر است. گچ و مازیک نیز نیروی بیانی کودکان را تقویت می‌کند.

پس از وسایل کار، نقش مربی یا بزرگسالان در هدایت اندیشه و احساس کودک مطرح می‌شود که بسیار حساس و دقیق است. از جمله روشهایی که والدین و اطرافیان کودک می‌توانند با توسل به آن کودک را تشویق به نقاشی کردن ننموده، در وی ایجاد انگیزه کنند، "بازدید" است. اگر کودکان را از محیط بکنواخت کلاس درس و یا منزل خارج کنیم و آنها را به دیدن

پارک، مزرعه یا به دیدن کارگاههای هنرهای دستی مانند: قالی بافی، کوزه‌گری و ... ببریم، انگیزه‌ای برای کارهای هنری برایشان ایجاد کرده‌ایم. همچنین رفتن به مساجد و اماکن مقدس و شرکت در جشنها و مراسم سنتی از جمله تجربیاتی است که موجب ایجاد انگیزه نقاشی در کودک می‌شود، زیرا بچه‌ها دوست دارند که تجربیات خود از بازدیدها را به صورت نقاشی برای دیگران بازگو کنند. این مرور خاطرات می‌تواند از طرف بزرگسالان از کودک درخواست شود.

در پایان تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که کودک در فعالیت هنری خویش بایستی کاملاً آزاد گذاشته شود و بزرگسالان باید از هر گونه تحمیل سلیقه‌های شخصی خودداری نموده، با درک دنیای کودک همواره با صبر و حوصله مشوق کودکان خود باشند.

پاورقی‌ها:

- 1 - LUQUET
- 2 - FORTUITOUS REALISM
- 3 - RUDOLPH ARNHEIM
- 4 - PRIMORDIAL CIRCLE
- 5 - KELLOGG
- 6 - FAILED REALISM
- 7 - FREEMAN
- 8 - SYNTHETIC INCAPABILITY
- 9 - SYMBOLIC REALISM
- 10 - TRANSPARENCY
- 11 - INTELLECTUAL REALISM
- 12 - VISUAL REALISM
- 13 - DE BARTOLOMIS

منابع:

- ۱ - توماس، گلین وی و سیلک، آنجل ام جی؛ مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، ترجمه عباس مخبر، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۰
- ۲ - فزازی، آناولیو، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، انتشارات نگاه، ۱۳۶۷